

تا زمان اثبات جرم و عطف بماسبق نشدن قانون، و حقوق سیاسی است. چنین هنجارهایی از زمان انقلابهای قرن هیجدهم پا گرفت و در قالبهای امروزی به خصوص در متون حقوقی این عصر شکل پیدا کرد.

نسل دوم حقوق بشر حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است. پیدایش این حقوق به جنگ جهانی دوم به خصوص نطق مشهور رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا فرانکلین روزولت برمی‌گردد که یکی از آزادیهای چهارگانه را آزادی یا رهایی از احتیاج و نیاز می‌دانست. همچنین برخی از حقوق اقتصادی و اجتماعی مانند حق تأمین اجتماعی، کار و سطح مناسب زندگی و آموزش که در اعلامیه جهانی حقوق بشر ۱۹۴۸ برشمرده شده است در این گروه جای می‌گیرد.<sup>۱</sup> این حقوق پس از جنگ جهانی دوم با اعمال نفوذ کشورهای سوسیالیست در اعلامیه جهانی حقوق بشر گنجانیده شد. در عین حال در جریان بحران بزرگ اقتصادی ۱۹۳۰ حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در ایدئولوژی سوسیال-دموکرات کشورهای غربی به رسمیت شناخته شد. با وجود این، جنگ سرد موجب جدایی حقوق مدنی و سیاسی از حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گردید.

بتازگی از نسل سومی از حقوق بشر صحبت به میان آمده است. حقوقی که در برخی از قطعنامه‌های سازمان ملل متحد، برنامه‌ریزی اولیه تعدادی از معاهدات، و در منشور آفریقایی حقوق بشر و ملتها از آنها یاد شده است. «حقوق جمعی» واژه‌ای است که به این نسل سوم حقوق بشر اطلاق می‌شود. از میان حقوقی که در این نسل سراغ داریم می‌توانیم به مواردی چون حق توسعه، حق برخورداری از محیط زیست سالم و حق صلح اشاره کنیم.<sup>۲</sup> نمودار الف بیانگر تقسیم‌بندی حقوق بشر در سه نسل مختلف است که در آن حقوق توسعه و محیط زیست سالم و صلح، مبنا و استحکام بخش دو نسل دیگر شناخته شده است.

شناخت و تعریف دقیق مباحث و مفاهیم مطرح در زمینه حقوق بشر می‌تواند به درک صحیح بخشی از تحولات و فرایندها و بررسی عوامل اثرگذار بر تحولات موجود در نظام بین‌الملل کمک نماید. بر این اساس، شناخت‌شناسی معنایی و مفهومی مباحث حقوق بشر و ارتباط آنها با علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، از مباحث ضروری است که با یستی در برنامه کار پژوهشگران این علم قرار گیرد. با اعتقاد به این امر، تحقیق حاضر ضمن بررسی مفهومی کلمه «نسل» یا آنچه برخی «رژیم» در مقوله حقوق بشر می‌خوانند این فرضیه را مدنظر قرار می‌دهد که وجود نسلهای متفاوت از حقوق بشر به انسجام و یکپارچگی در حمایت از آن منجر خواهد شد به گونه‌ای که با نوعی فرایند یکپارچگی نسلهای حقوق بشر مواجه خواهیم گردید. بر این مبنا، تحقیق حاضر ضمن بررسی معنایی و مفهومی «نسل» به بررسی نسلهای مختلف حقوق بشر و چگونگی ارتباط آنها با یکدیگر می‌پردازد و تأثیر یکپارچگی نسلهای حقوق بشر را بر حمایت همه جانبه از حقوق بشر در عرصه جهانی مورد توجه قرار می‌دهد.

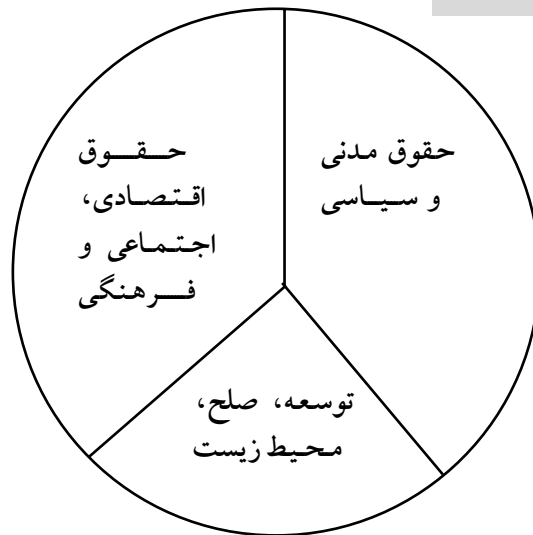
### مفهوم و انواع نسلهای حقوق بشر

به کارگیری اصطلاح «نسل» (generation) القاء کننده تحول تاریخی در به رسمیت شناختن و تهیه و تدوین برخی اصول و مبانی حقوق بشر در جهتی معین و خاص است؛ چه «گونه‌ها» بی از حقوق بشر در راستای بحثهای نظری و کاربردی از این مقوله قابل تصور است؟ براساس تحولات تاریخی و پویای عملی در حوزه حقوق بشر، تاکنون سه دسته یا سه «نسل» از حقوق به رسمیت شناخته شده است. نخستین نسل حقوق بشر در واقع حقوق مدنی و سیاسی است که ریشه در ارزشهای مکتب لیبرالیزم کلاسیک دارد و اساساً مربوط به آزادیهای بزرگی همچون آزادی عقیده، بیان، اجتماع و مشارکت؛ ضمانتهای قضایی مبنی بر بی‌گناه بودن اشخاص

## فرایند یکپارچگی نسلهای حقوق بشر

دکتر مهدی ذاکریان

ویرایش از بخش  
پژوهش و ترجمه ماهنامه



○ تاکنون سه نسل از حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. نسل اول، حقوق مدنی و سیاسی؛ نسل دوم، حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ و نسل سوم، «حقوق جمعی»، همچون حق توسعه، حق برخورداری از محیط زیست سالم و حق صلح.

### نسلی نو از سه نسل حقوق بشر

تا پیش از پایان جنگ سرد، بین طرفداران دو نسل اول (حقوق مدنی و سیاسی) و دوم (حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی) اختلاف نظری جدی وجود داشت. مطابق برداشت هواداران نسل اول حقوق بشر، افراد بایستی به طور جدی مورد حمایت قرار گیرند و حقوق مدنی و سیاسی آنها شامل آزادهای اساسی در عقیده، بیان و تشکیل گروههای سیاسی تضمین شود. برای نمونه، آریه نیر (Aryeh Neier) می گوید «دلیل اصلی ارتقا بخشیدن به حقوق بشر در سطح جهان این است که ارزشهای ذاتی افراد در معرض مخاطره قرار دارند. این ارزشها عبارتند از: حقوق تمامی افراد برای رهایی از مجازاتهای ظالمانه و بی ضابطه، حق افراد برای آزادی بیان، برابری افراد به دور از تبعیضات نژادی، قومی، مذهبی و جنسی. این حقوق از حقوق اساسی افراد می باشند، چرا که همینها انسان بودن ما را تعریف می کنند.»

از سوی دیگر طرفداران حقوق اقتصادی و اجتماعی بر حقوق جمعی یا جامعه بزرگتر تأکید می کنند. بسیاری از این افراد به روحیه شدیداً فردگرای غربی که حاکمیت و قدرت (author-ity) را منشأ ستم می انگارد و حقوق افراد را برگ برنده آنان در مقابل دولت می داند به دیده تحقیر می نگرند. آنان ترجیح می دهند که افراد جامعه و دولت کمتر از یکدیگر متمایز باشند یا

دستکم خصومت کمتری بین آنها وجود داشته باشد. از دیرباز کشورهای توسعه یافته غربی یا کشورهای شمال بر حقوق نسل اول و کشورهای کمونیستی سابق و کشورهای در حال توسعه جهان سوم یا به عبارتی مجموعه کشورهای جنوب بر حقوق نسل دوم تأکید داشته اند.<sup>۳</sup> اما با پایان یافتن جنگ سرد و آغاز عصری نو در روابط بین المللی، بویژه در هزاره جدید عملاً از تعارض بین حقوق نسل اول و نسل دوم کاسته شده است. در این راستا، برگزاری کنفرانس جهانی حقوق بشر وین در سال ۱۹۹۳ بسیار مؤثر بوده است. زیرا کشورهای شرکت کننده در آن، چه کشورهای شمال اعم از اروپای غربی، آمریکای شمالی، اقیانوسیه و... و چه کشورهای جنوب شامل دولتهای خاورمیانه، آفریقا و خاور دور (چین، اندونزی، مالزی و...) و دیگر کشورها بر موضوع پیوند داشتن توسعه یعنی حقوق نسل سوم با دموکراسی و حقوق سیاسی، مدنی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صحنه گذاشتند و برای تمامی این حقوق اهمیت یکسان قائل گردیدند.<sup>۴</sup> بنابراین هم اکنون جامعه بین المللی به این اجماع دست یافته است که نسلهای مختلف حقوق بشر با یکدیگر ارتباط متقابل دارند و از هم تفکیک ناپذیرند. این امر، خود موجب به وجود آمدن نسلی یکپارچه از نسلهای مختلف حقوق بشر می گردد که ما آن را «نسل هزاره جدید حقوق

پارامترهای جامعه مدنی، توسعه است و حتی تا دهه ۱۹۵۰<sup>۶</sup> گفته می‌شد که بدون توسعه دموکراسی تحقق نمی‌یابد. برای نمونه در مورد حق تعیین سرنوشت در جامعه ملل و در سازمان ملل متحد در ابتدا این اعتقاد حاکم بود که ملت‌هایی که فاقد رشد و توسعه اقتصادی و فرهنگی هستند صلاحیت برخورداری از حق تعیین سرنوشت را ندارند. از همین رو نظام قیمومت (mandate) را برای این دسته از کشورها تمهید کردند. به عنوان مثال براساس ماده ۲۲ میثاق جامعه ملل نظام یادشده در مستعمره‌های سابق کشورهایی که در جنگ شکست خورده بودند اعمال می‌شد. بنابر ماده ۲۲<sup>۶</sup> میثاق، اداره این مستعمرات به کشورهای پیروزمند جنگ واگذار می‌شد و این کشورها در برابر جامعه ملل متعهد بودند تا سرزمینهای تحت قیمومت خود را به حد قابل توجهی از توسعه و مدنیّت برسانند و در این راستا نیز گزارشهایی تسلیم جامعه ملل کنند. بعدها نیز منشور سازمان ملل متحد در سه فصل ۱۱، ۱۲ و ۱۳ یعنی «اعلامیه راجع به سرزمینهای غیر خودمختار»، «نظام قیمومت بین‌المللی» و «ترکیب شورای قیمومت» مسئله توسعه را در صدر دستور کار خود قرار داد. در بند ب ماده ۷۶<sup>۶</sup> منشور یکی از هدف‌های سازمان ملل چنین اعلام شده است: «کمک به پیشرفت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی مردم سرزمینهای تحت قیمومت و پیش‌بردن تدریجی آنان به سوی خودمختاری یا استقلال بر حسب اقتضا و با توجه به احوال خاص هر سرزمین، مردم آن و تمایلات آنان که به شکل آزادانه ابراز شده باشد و بر طبق مقرراتی که ممکن است در هر قرارداد قیمومت پیش‌بینی شده باشد».<sup>۸</sup> اما

بعدها قطعنامه A/RES/1514 (XV) مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۶۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد موسوم به «اعلامیه دستیابی به استقلال برای کشورها و ملت‌های مستعمره» اعلام کرد که هر کشوری با هر درجه از رشد و توسعه چه در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، یا اجتماعی یا حتی در

## نسل سوم و فرایند یکپارچگی حقوق بشر

حق خودمختاری و تعیین سرنوشت، حق دسترسی آزاد به ثروتها و منابع طبیعی، حق توسعه اقتصادی، حق زندگی در جهانی همراه با صلح و آرامش، و در نهایت حق برخورداری از محیط زیستی سالم از جمله حقوقی است که در نسل سوم حقوق بشر مورد توجه قرار گرفته است. حقوق مزبور تحت عنوان «حقوق ملت‌ها» در منشور آفریقایی حقوق بشر و ملت‌ها تصریح شده است.<sup>۵</sup> در دهه پایانی قرن بیستم، از میان این دسته از حقوق یعنی نسل سوم حقوق بشر، پارامتر توسعه اهمیت بسیار و ارزش فراوانی برای دنیای جنوب و همچنین کشورهای شمال داشته است. این امر ریشه در توافق سال ۱۹۸۶ کشورهای دارد که در روز چهارم دسامبر اعلامیه حقوق توسعه را در چارچوب قطعنامه ۴۱/۱۲۸ مجمع عمومی به تصویب رساندند.<sup>۶</sup> همچنین در بند ۱۰ بخش یکم اعلامیه و برنامه عمل وین مصوب سال ۱۹۹۳ چنین آمده است: کنفرانس جهانی حقوق بشر تأکید می‌کند که حق توسعه آنچنان که در «اعلامیه حق توسعه» خاطر نشان شده است حقی جهانشمول و غیر قابل انتزاع و بخشی لاینفک از حقوق اساسی انسانهاست. همانگونه که در «اعلامیه حق توسعه» بیان گردیده است. فرد انسان موضوع اصلی توسعه است. هر چند توسعه زمینه بهره‌مندی از تمام حقوق بشر را فراهم می‌سازد، فقدان توسعه نباید عاملی برای توجیه محدود کردن حقوق به رسمیت شناخته شده بین‌المللی باشد. دولت‌ها باید برای تضمین توسعه و برطرف ساختن موانع آن با یکدیگر تشریک مساعی کنند. جامعه بین‌المللی باید همکاری بین‌المللی مؤثری را برای رفع این موانع و تحقق حق توسعه سامان دهد. پیشرفت پایدار در استیفای حق توسعه مستلزم سیاست‌های مؤثر توسعه در سطح ملی، همچنین روابط اقتصادی عادلانه و محیط مساعد اقتصادی در سطح بین‌المللی است.<sup>۷</sup> یکی از

○ جنگ سرد موجب جدایی افتادن میان حقوق مدنی و سیاسی با حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی گردید، زیرا کشورهای توسعه یافته شمال بر حقوق نسل اول و کشورهای کمونیستی سابق و در حال توسعه جنوب بر حقوق نسل دوم تأکید داشتند.

آموزش از حق تعیین سرنوشت برخوردار است.<sup>۹</sup>

بنابراین در مقطعی و حتی بطور غیرمستقیم در میثاق جامعه ملل و منشور ملل متحد عامل توسعه یکی از شروط شکل گیری استقلال سرزمینهای مستعمره شناخته شده است و این امر بیانگر توجهی است که نسبت به توسعه و ارتباط آن با استقلال سیاسی وجود دارد. وانگهی، امروزه در حد وسیعتر، مسائل اقتصادی را یکی از مشکلات اساسی برای حقوق بشر برمی‌شمارند<sup>۱۰</sup> و بسیاری از کشورهای توسعه نیافته را به دلیل فقر اقتصادی ناتوان از تضمین حقوق بشر می‌دانند.<sup>۱۱</sup> فراتر از این، فقر به عنوان يك منبع اصلی بی‌نظمی جهانی در مقابل اندیشه نظم نوین جهانی قرار گرفته<sup>۱۲</sup> و حتی امروزه به عنوان یکی از منابع تهدید بشریت در عصر جهانی‌گرایی محسوب می‌شود.<sup>۱۳</sup> به همین دلایل است که توجه به نسل سوم حقوق بشر حائز اهمیت گردیده است. بازتاب این امر در گزارش دبیر کل به اعضای سازمان ملل تحت عنوان «دستور کاری برای صلح»، همچنین در کنفرانس جهانی حقوق بشر وین، فعالیت‌های کمیساریای عالی حقوق بشر و گزارش دبیر کل سازمان ملل متحد به کنفرانس هزاره سران دیده می‌شود. حقوقی از قبیل حق توسعه، تجارت آزاد، محیط‌زیست، جمعیت، صلح و... بطور جدی از سوی کشورهای جنوب مورد عنایت قرار گرفته و امروزه این حقوق مورد توجه جهانی واقع شده است. دبیر کل پیشین سازمان ملل در گزارش یاد شده خود چنین می‌گوید: «رژیمهای خودکامه جای خود را به نیروهای دموکراتیک نزد دولتهایی تأثیرپذیرتر داده‌اند. شکل، گستره و شدت این فرایند از آمریکای لاتین تا آفریقا، اروپا و آسیا فرق می‌کند ولی در عین حال به اندازه‌ای شبیه هم است که از يك پدیده جهانی حکایت می‌کند. به موازات این تغییرات سیاسی، بسیاری از کشورها در تعقیب انواع سیاست‌های باز اقتصادی می‌باشند که نوعی احساس همگانی، پویایی و حرکت را (از هنگام پایان جنگ سرد) به وجود آورده است».

دبیر کل منشأ جنگ و تنازع را توسعه نیافتگی و عدم رعایت حقوق بشر می‌داند و اضافه می‌کند: «منشأ تنازع و جنگ، همه‌جانبه و عمیق است و برای مقابله با آن لازم است منتهای کوشش خود را برای افزایش احترام نسبت به حقوق بشر و آزادیهای اساسی، ترویج توسعه پایدار اقتصادی و اجتماعی برای تمام آیندگان و تخفیف آلام و کاهش موجودی و کاربرد سلاحهای مخرب به کار گیریم»<sup>۱۴</sup>. به همین منظور در بند ۹ بخش یکم اعلامیه و برنامه عمل وین آمده است: «کنفرانس جهانی حقوق بشر تأکید می‌نماید که کشورهای توسعه نیافته‌ای که متعهد به فرایند اصلاحات دموکراتیک و اقتصادی اند - از جمله بسیاری از کشورهای آفریقایی - باید از پشتیبانی جامعه بین‌المللی بهره‌مند شوند تا مرحله گذار به دموکراسی و توسعه اقتصادی را با موفقیت پشت سر گذرانند». در همین راستا: «کنفرانس جهانی حقوق بشر از جامعه بین‌المللی می‌خواهد کلیه تلاشهای ممکن را برای کاهش بار سنگین بدهی خارجی کشورهای در حال رشد به عمل آورد و به کوششهای حکومت‌های این کشورها برای دستیابی کامل به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مردم خویش یاری رساند.» (وجود فقر فوق‌العاده گسترده مانع برخورداری کامل و مؤثر از حقوق بشر است. کاهش فوری و نهایتاً از میان برداشتن آن باید سرلوحه توجه جامعه بین‌المللی باشد».) (بند ۱۲ و ۱۴).<sup>۱۵</sup> همچنین فراهم آوردن تسهیلاتی به منظور تجارت آزاد و بهره‌مندی جنوب از آن، امری است که در بند ۳۱ بخش یکم اعلامیه و دستورعمل وین لازمه توسعه چنین کشورهایی دانسته شده است: «کنفرانس جهانی حقوق بشر از کلیه دولتها می‌خواهد از اقدام يك‌جانبه مغایر با حقوق بین‌الملل و منشور سازمان ملل متحد که موجب بروز موانع در راه مناسبات تجاری میان دولتها می‌گردد و مانع از تحقق حقوق مندرج در اعلامیه جهانی و اسناد بین‌المللی حقوق بشر خصوصاً حقوق افراد در زمینه برخورداری از سطح مطلوب زندگی از نظر بهداشت و رفاه از جمله خواربار، مراقبت بهداشتی، مسکن و خدمات ضروری اجتماعی

○ در کنفرانس جهانی سال ۱۹۹۳ وین هر دو دسته کشورهای شمال و جنوب ضمن تأکید بر پیوند داشتن نسل سوم حقوق بشر با دموکراسی و حقوق سیاسی، مدنی و نیز حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، اهمیتی یکسان برای تمامی این حقوق قائل شدند.

○ هر چند توسعه،  
زمینه بهره‌مندی از تمام  
حقوق بشر را فراهم  
می‌سازد ولی نباید فقدان  
توسعه بهانه‌ای برای محدود  
کردن حقوق به رسمیت  
شناخته شده بین‌المللی  
شود.

می‌گردد، اجتناب ورزند».<sup>۱۶</sup> توجه به نسل سوم حقوق بشر در کنفرانس جهانی حقوق بشر وین مختص کشورهای خاصی نبود. امضا و تأیید ۱۷۱ کشور بر اعلامیه و برنامه عمل وین، بیانگر اجماع جامعه بین‌المللی در مورد نسل سوم حقوق بشر است. توجه به این مطلب ضروری است که بانیان، طرفداران و مجریان نسل سوم حقوق بشر تأکید دارند که بایستی به حقوق توسعه اقتصادی و حقوق مدنی و سیاسی همزمان توجه داشت. خانم مری رایسنسون کمیسر عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد می‌گوید: «از زمان فعالیت در سمت کمیساریای عالی حقوق بشر، بر ضرورت پیروی از روندی متعادل در زمینه حقوق بشر اصرار ورزیده‌ام. بدین معنی که باید توجه یکسانی به حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و به حقوق توسعه یا حقوق مدنی و سیاسی داشته باشیم».<sup>۱۷</sup> چرا که حقوق بشر و توسعه اقتصادی در ارتباط و تعامل با یکدیگرند و ارتباط مؤثری بین دو موضوع حقوق مدنی، سیاسی و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی وجود دارد.<sup>۱۸</sup> برای دو دهه، جامعه بین‌المللی بر مبنای وجود رابطه بین حقوق بشر و توسعه اقتصادی و اجتماعی اهمیت زیادی به ساختار جهانی حق توسعه داد. کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد از دبیرکل سازمان خواست تا ابعاد حقوق توسعه را مورد مطالعه و بررسی قرار دهد.<sup>۱۹</sup> روشن است که سازمان ملل طی برنامه‌ها و دهه‌های متعدد، خواهان توسعه برای جنوب بوده و همیشه امری به نام توسعه را با حمایت از حقوق بشر مرتبط می‌دانسته است. دبیرکل سابق سازمان ملل پطروس گالی در کنفرانس کینهاک ۱۹۹۵، دبیرکل کنونی سازمان ملل آقای کوفی عنان در پنجاه و سومین کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد، کنفرانس جهانی حقوق بشر وین ۱۹۹۳، و بویژه کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان بر این امر تأکید ورزیده‌اند.<sup>۲۰</sup> نکته حائز اهمیت این است این که هرگونه توسعه‌ای بایستی در عین حال توسعه در دموکراسی و حقوق بشر باشد. آسیب به زندگی

شکنجه و فشار مسلماً ابزار توسعه اقتصادی نیست. احترام به حقوق بشر نه تنها مانع توسعه نیست، بلکه تسهیل کننده آن است. جامعه بین‌المللی باید در استراتژیهای توسعه نگاه خود را روی ابعاد حقوق بشر متمرکز کند.<sup>۲۱</sup> با توجه به این مطلب، یکی از چالشهای حقوق بشر از هنگام پایان جنگ سرد تاکنون، اصلاحات اقتصادی و بازار بوده است.<sup>۲۲</sup> پس می‌بینیم که در دنیای امروز ارتباط تنگاتنگی بین نسلهای مختلف حقوق بشر وجود دارد که نهایتاً موجب می‌شود توجه به توسعه و توسعه‌یافتگی خود عاملی در جهت حمایت از حقوق بشر از سوی همه واحدهای سیاسی جامعه بین‌المللی امروزی گردد.

امروزه هر چند برخی از کشورهای جنوب بر موضع خود پیرامون حق توسعه اصرار می‌ورزند و مذاکره جنوب - شمال و روابط اقتصادی جنوب - جنوب را تشویق می‌کنند (همانند نطقی که سوهارتو رئیس جمهور پیشین اندونزی در اجلاس جنبش عدم تعهد جاکارتا ایراد کرد<sup>۲۳</sup>) اما در مجموع در جامعه بین‌المللی معاصر هیچ واحد سیاسی را نمی‌توان یافت که منکر یکی از نسلهای حقوق بشر باشد و تنها به دیگر نسلهای حقوق بشر توجه داشته باشد. دبیرکل سازمان ملل متحد آقای کوفی عنان در سخنرانی خویش در دانشگاه تهران در همین رابطه اظهار داشت: «فعالتهای سازمان ملل در زمینه صلح و توسعه به طور فزاینده‌ای حقوق بشر را در رأس امور قرار داده است. این فعالیتها همه انواع حقوق بشر را از حقوق مدنی و سیاسی گرفته تا حقوق اجتماعی و اقتصادی در بر می‌گیرد. حق توسعه حقی جهانی، انکارناپذیر و از سایر حقوق جدانشدنی است. این حق در واقع محکی برای احترام نسبت به سایر انواع حقوق بشر است».<sup>۲۴</sup> همینطور ژاک شیراک رئیس جمهور فرانسه در مراسم گشایش پنجاهمین سالگرد صدور اعلامیه حقوق بشر گفت: مبارزه برای حقوق بشر باید با مبارزه اقتصادی و مبارزه برای توسعه همراه باشد، زیرا توسعه اقتصادی و دموکراسی همراه هم

هستند.<sup>۲۵</sup> بنابر این برخلاف نظر عده‌ای چون توماس بورجنتال (Thomas Buergenthal) و آلکساندر کیس (Alexander Kiss) که تصور سه نسل از حقوق بشر را اشتباه و خطرناک می‌پندارند و اعتقاد دارند که این امر موجب ایجاد فاصله بین حقوق مدنی، سیاسی و حقوق اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی با توسعه و محیط‌زیست می‌گردد اعتقاد جدی ما در این نوشته آن است که بر شمردن سه نسل حقوق بشر و تأکید کمیساریای عالی حقوق بشر، کنفرانس جهانی حقوق بشر، منشور سازمان ملل و دبیرکل سازمان و اعضای سازمان در کنفرانس هزاره جدید سران سازمان ملل بر جهانی بودن، وابسته بودن و همبسته بودن حقوق بشر موجب می‌شود تا طیف‌های مختلف فرهنگی جهان که به یک نسل از حقوق بشر اعتقاد دارند متوجه دیگر نسلها نیز شوند و علقه‌های<sup>۲۶</sup> حاصل، به حمایت همه جانبه از حقوق بشر منتهی گردد. دنیای امروز غرب به این نتیجه رسیده است که توسعه نیافتگی در یک نقطه از دنیا موجب آسیب‌رسیدن به روند توسعه در دیگر کشورها خواهد شد و شرط ادامه روند توسعه در دنیای صنعتی غرب ایجاد روند توسعه، فقرزدایی و اقتصاد آزاد در دنیای جنوب است.

امروزه اعتقاد بر آن است که توسعه اقتصادی پایدار سه بعد دارد که باید موازنه پایدار میان این سه بعد ایجاد گردد: (۱) حفظ محیط زیست؛ (۲) آزادیهای اساسی؛ (۳) توسعه اقتصادی و اجتماعی.

در همین راستاست که خانم کاترین لالومییر (catherine lalumière) دبیرکل شورای اروپا می‌گوید: «نکته مهم این است که هر تحولی تحت عنوان توسعه، بایستی در عین حال توسعه در دموکراسی و حقوق بشر باشد... توسعه نیافتگی یا آرمان توسعه بایستی بهانه‌ای در دست کسانی شود که حقوق بشر را نقض می‌کنند... احترام به حقوق بشر نه تنها مانع توسعه نیست بلکه تسهیل‌کننده آن است.»<sup>۲۷</sup>

امروزه مسئولیت دولتها و جامعه بین‌المللی برای شناسایی حق توسعه امری مسلم است.

کشورها موظفند استراتژیهای سیاسی و اقتصادی خود در نظام بین‌الملل را به گونه‌ای تنظیم کنند که با حقوق توسعه منافات نداشته باشد. ذیل ماده ۱۰ بخش یکم اعلامیه و برنامه عمل کنفرانس جهانی حقوق بشر وین در این خصوص آمده است: «... دولتها برای تضمین توسعه و رفع موانع آن باید با یکدیگر تشریک مساعی کنند. جامعه بین‌المللی باید همکاری بین‌المللی مؤثری را برای رفع این موانع و تحقق حق توسعه سامان دهد.»<sup>۲۸</sup> همچنین در ادامه در بند ۱۱ همین بخش از اعلامیه آمده است: «حق توسعه باید به نحوی عملی گردد که نیاز نسلهای کنونی و آتی را در زمینه توسعه و محیط زیست به گونه‌ای عادلانه تأمین کند.»<sup>۲۹</sup>

بنابر این در مجموع می‌توان گفت که بازتاب پدید آمدن نسل سوم حقوق بشر، ایجاد علقه و ارتباط با نسلهای اول و دوم این حقوق است. این فرایند یکپارچگی موجبات اعتقاد و ایمان همه واحدهای سیاسی را به هر سه نسل حقوق بشر فراهم می‌آورد که نتیجه آن حمایت جهانی از حقوق بشر خواهد بود. این پدیده - یعنی فرایند یکپارچگی حقوق بشر - با صحه‌ای که همه کشورهای بر وجود ارتباط متقابل بین نسلهای سه‌گانه حقوق بشر در کنفرانس جهانی حقوق بشر وین ۱۹۹۳ گذاشتند، همچنین با تصریح این ارتباط از سوی دبیرکل سازمان ملل متحد و کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل متحد و به لحاظ اظهارات ایراد شده در کنفرانس جهانی هزاره جدید سران در سازمان ملل متحد و همچنین با منطق مسلط جهانگرایی تسهیل گردیده است.

### نتیجه‌گیری

وجود نسلهای متعدد حقوق بشر برای شخص یا موضوع واحدی به نام انسان نقش مؤثری در همبستگی بین‌المللی برای حمایت از حقوق بشر دارد. بر شمردن سه نسل حقوق مدنی؛ و سیاسی؛ حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی؛ و نهایتاً حق توسعه، برخورداری از محیط زیست سالم و حق صلح در عصر

○ هر گونه توسعه‌ای باید در عین حال توسعه در دموکراسی و حقوق بشر باشد. آسیب به زندگی، شکنجه و فشار مسلماً ابزار توسعه اقتصادی نیست. جامعه بین‌المللی باید در استراتژیهای توسعه نگاه خود را روی ابعاد حقوق بشر متمرکز کند.

گرفتن يك رشته علقه‌های روانی با نسل‌های اول و دوم حقوق بشر می‌شود و در نتیجه پیوندی میان سه نسل برقرار می‌گردد و نوعی فرایند یکپارچگی آغاز می‌شود. برشمردن سه نسل حقوق بشر در عصر جهانگرایی و تأکید کمیساریای عالی حقوق بشر، کنفرانس جهانی حقوق بشر وین، منشور سازمان ملل و دبیرکل بر جهانی بودن، وابسته بودن و همبسته بودن حقوق بشر موجب می‌شود تا طیف‌های مختلف فرهنگی جهان ضمن اعتقاد به يك نسل از حقوق بشر، از دیگر نسل‌های حقوق بشر غافل نباشند و بدین ترتیب پیوندهای حاصل از آن به نوعی فرایند یکپارچگی میان نسل‌های حقوق بشر منتهی گردد.

### یادداشت‌ها

۱. اعلامیه جهانی حقوق بشر (Universal Declaration of Human Rights) در دسامبر ۱۹۴۸ در مجمع عمومی سازمان ملل متحد با اکثریت آرا و بدون مخالف به تصویب دولتهای عضو رسید.
2. William A. Schabas, **Dimensions juridiques et judiciaires des droits de l'homme**, Strasbourg, I.I.D.H. 1996. p.83.
۳. کارن آ. منگست و کریچ پ. دارکینتن، «تأثیر فرهنگ در مذاکرات چندجانبه»، ترجمه محمدعلی شکوری، فصلنامه مطالعات سازمان ملل متحد، سال اول، شماره سوم و چهارم، پاییز و زمستان ۱۳۷۵. صص ۱۰۳-۱۰۴.
4. United Nations, **World Conference on Human Rights**, New York, United Nations Department of Public Information, 1995, pp.30-31.
5. Thomas Buergenthal, Alexandre Kiss, **la protection internationale des droits de l'homme**, Kehl, Editions N. P. Engel, 1991, p.131.
6. Patrick Van Weerelt, "the right to development", **Human Rights**, No. 2. 1998, p. 4.
۷. سازمان ملل متحد، کنفرانس جهانی حقوق بشر، تهران، مؤسسه چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ۱۳۷۶. ص ۸.
۸. سازمان ملل متحد، منشور ملل متحد و اساسنامه دیوان بین‌المللی دادگستری، تهران، مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران، ۱۳۷۷، ص ۲۹.

جهانگرایی موجب پیوند بین بانیان و طرفداران هر سه نسل گردیده است به نحوی که رعایت هر يك تضمین دیگری را سبب خواهد شد. این فرایند یکپارچگی از آنجا ناشی می‌شود که با پایان گرفتن جنگ سرد و در دوره جهانگرایی، تعارض بین نسل اول یعنی حقوق مدنی و سیاسی با حقوق نسل دوم یعنی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی از بین رفته است. به گونه‌ای که این امر در جریان کنفرانس جهانی حقوق بشر وین ۱۹۹۳ مورد تأیید ۱۷۱ کشور شرکت کننده در آن قرار گرفت و با تأکید دولت کلینتون بر لزوم حمایت از حقوق اقتصادی و اجتماعی تقویت گردید. اعلامیه جهانی حقوق بشر وین ۱۹۹۳ در بند پنجم از بخش یکم، درخصوص پیوند میان نسل‌های مختلف حقوق بشر می‌گوید: «تمام انواع حقوق بشر جهانشمول و تقسیم‌ناپذیرند و با هم وابستگی متقابل و ارتباط تنگاتنگ دارند»<sup>۳۰</sup> و در بند هشتم از همان بخش تأکید می‌کند: «دموکراسی، توسعه و رعایت حقوق بشر و آزادیهای اساسی با هم وابستگی متقابل دارند و یکدیگر را تحکیم می‌بخشند»<sup>۳۱</sup>

دبیرکل سازمان ملل متحد آقای کوفی عنان نیز در تأیید همبستگی و ارتباط متقابل بین نسل‌های مختلف حقوق بشر می‌گوید: «بین رعایت حقوق بشر و برقراری صلح و ایجاد توسعه ارتباط مستقیمی وجود دارد»<sup>۳۲</sup> لذا با مبنا قرار دادن این فرض که حقوق بشر و توسعه با هم مرتبط هستند و زمینه توسعه و رسیدن به تفوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، رعایت حقوق مدنی و سیاسی افراد است<sup>۳۳</sup> و همین‌طور به عکس شرط تحقق حقوق مدنی و سیاسی و آزادیهای اساسی و دستیابی به يك حکومت دموکراتیک، عملی شدن حقوق اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و بخصوص توسعه اقتصادی است توجه به هر سه نسل حقوق بشر افزایش می‌یابد و پیوند و یکپارچگی این سه نسل، حمایت همه جانبه از حقوق بشر را به ارمغان خواهد آورد. برای نمونه نسل نو حقوق بشر که جنوب در تعقیب آن است موجب پا

○ بازتاب پدید آمدن نسل سوم حقوق بشر، ایجاد علقه با نسل‌های اول و دوم این حقوق است. این فرایند یکپارچگی موجبات ایمان همه واحدهای سیاسی را به هر سه نسل حقوق بشر فراهم می‌آورد و سبب حمایت جهانی از حقوق بشر خواهد شد.

○ کوفی انان: حق توسعه حقی جهانی، انکارناپذیر و از سایر انواع حقوق بشر جدا نشدنی است. این حق در واقع محکی برای احترام نسبت به سایر انواع حقوق بشر است.

20. *Ibid.*, pp. 5-6.
21. Catherine Lalumière, *les droits de l'homme à l'aube du XXI<sup>e</sup> siècle*, Strasbourg, Council of Europe Publishing, 1993, p. 14.
22. Jack Donnelly, "Human rights in the new world order", *World Policy Journal*, Spring 1992, p. 268.
23. Sally Morphet, "The non-aligned in the new world order: The Jakarta Summit", *International Relations*, vol, 11, 1993, p. 364.
24. کوفی عنان، سخنرانی دبیرکل سازمان ملل متحد به مناسبت پنجاهمین سالگرد اعلامیه جهانی حقوق بشر در دانشگاه تهران ۱۰ دسامبر ۱۹۹۷، تهران، نمایندگی سازمان ملل متحد در تهران، ۱۳۷۶، ص ۵.
25. روزنامه اطلاعات، ۱۳۷۷/۹/۱۷، ص ۱۶.
26. پیوندها و اتصال زنجیری (linkages)
27. Lalumière, *op. cit.*, p. 14.
28. سازمان ملل متحد، کنفرانس جهانی حقوق بشر، پیشین، ص ۸.
29. همان، صص ۸۹.
30. همان، ص ۷.
31. همان، ص ۸.
32. Kofi, A. Annan, "Strengthening United Nations Action in The Field of Human Rights: Prospects and Priorities", *Harvard Human Rights Journal*, Vol. 10, 1997, p. 6.
33. Singer, *op.cit.*, p. 10.
9. Nations Unies, *les Nations Unies et les droits de l'homme 1945\_1995*, New York, publication des Nations Unies, 1995.p.210.
10. Hamid Gaham, *le systeme de protection des droits de l'homme de l'organisation des Nations Unies*, Strasbourg, I.I.D.H, 1998, p.1.
11. Pierre Nuss, *le renvoi en droit international des droits de l'homme*, Strasbourg; these pour l'obtention de doctorate, université des sciences juridiques, politiques de Strasbourg, 1996, p. 180.
12. John Kenneth Galbraith, "rétorique et réalité le nouvel ordre mondial est un souhait louable II ne sera pas facile á instaurer", *LeMonde*, 16 Avril 1951, p. 2.
13. Kofi A. Annan, *We the Peoples; the Role of the United Nations in the 21th Century*, New York, United Nations, 2000, p.10.
14. پطروس پطروس غالی، دستور کاری برای صلح، تهران، مرکز اطلاعات سازمان ملل متحد در تهران، ۱۹۹۲، صص ۲ و ۵.
15. سازمان ملل متحد، کنفرانس جهانی حقوق بشر، پیشین، صص ۸۹.
16. همان، ص ۱۵.
17. Mary Robinson, "Editorial", *Human Rights*, No.2, 1998, p. 3.
18. Michael Singer, *The Future of International Human Rights*, Washington, International Rule of Law Center, 1997, p.11.
19. Weerelt, *op.cit.*, p.4.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی